

فرا ترکیب اثرات جهانی شدن بر نهاد علم در بستر جمهوری اسلامی ایران

چکیده

نظریه جهانی شدن یکی از معروف ترین نظریات علوم اجتماعی است که با هدف تداوم و تقویت مدرنیته ارائه شده است. هرچند جهانی شدن یک واقعیت اجتماعی است ولی صورت بندی علمی و ادبیات نظری گسترده ای آن، جهت بسط و تقویت تمدن و فرهنگ غرب به کار گرفته شده است. پدیده جهانی شدن در موضوعات مختلف اجتماعی، اثرات مثبت و منفی مختلفی داشته است که البته این اثرات در کشورهای مختلف نیز متفاوت بوده است. در این میان، جهانی شدن نهاد علم، با پیچیدگی های بیشتر و عمیق تری مواجه است. در این پژوهش به دنبال فرا ترکیب اثرات جهانی شدن بر نهاد علم، در جمهوری اسلامی ایران بوده ایم و بر همین اساس تمام آثار مربوط به اثرات جهانی شدن علم بر مناسبات علمی جمهوری اسلامی که مورد توجه سیاست پژوهان بومی کشورمان قرار گرفته اند، به وسیله الگوی فرا ترکیب و روش تحلیل مضمون مورد مطالعه قرار گرفته اند و بر اساس نتایج آن به فرا ترکیب اثرات جهانی شدن علم دست یافته ایم. نتایج فرا ترکیب در چهار رکن اثرات آموزش جهانی شدن علم، اثرات پژوهشی جهانی شدن علم، اثرات جهانی شدن علم بر مدیریت و ساختار دانشگاهی و در نهایت اثرات جهانی شدن علم بر فرهنگ علمی کشور، دسته بندی شده اند.

■ واژگان کلیدی

جهانی شدن، نهاد علم، اثرات آموزشی، اثرات پژوهشی، اثرات ساختاری و مدیریتی، فرهنگ علمی-دانشگاهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیدمجید امامی

استادیار دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

s.m.emamy@isu.ac.ir

محمد وانقی بادی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و سیاست گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (ع)

vasegh162162@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۴

۱. مقدمه؛ جهانی شدن و نهاد علم

جهانی شدن یکی از مهم ترین و فراگیرترین نظریاتی است که در چند دهه اخیر ناظر به آینده شناسی و آینده پژوهی تاریخ، ارائه شده است. از نظر تاریخی نظریاتی که سعی در غلبه بخشیدن به گفتمان مدرنیته در فضای جهانی داشته اند، به ترتیب شامل نظریه مابعدصنعتی گرای (دهه شصت میلادی)، نظریه مابعدتجددگرایی (دهه هشتاد میلادی) و نظریه جهانی شدن (دهه نود میلادی) بوده اند. نظریه دوم برعکس نظریه اول درصدد بیان حالت رؤیایی از تداوم غرب مدرن نداشت بلکه نظریه پردازان آن اکثراً از منتقدین مدرنیته بوده اند و اساس معرفت غرب که بر مبنای علم و عقلانیت است را کاملاً ویران می کند اما نظریه سوم با نگاهی بازتر و با تغییر دوگانه‌ی مرکز- پیرامون برای جهان، در واقع سعی داشته است که امپریالیسم بی نیاز از سیاست را رقم بزند (کچوئیان، ۱۳۸۶: ۲۴-۳۱). مهم ترین محل نزاع در فهم ماهیت جهانی شدن، ارتباط آن با مدرنیته و تمدن غرب است. به طور کلی دو دیدگاه اساسی نسبت به جهانی شدن با محوریت تمدن غرب وجود دارد.

۱. جهانی شدن، تداوم مدرنیته و تمدن غرب است. این دیدگاه، جهانی شدن را طرح غرب برای توسعه الگوی سبک زندگی و فرهنگ شرک‌آلود و انسان‌محورانه غربی می داند. در نتیجه جهانی شدن اساساً بنیاد واقعی ندارد و صرفاً یک سلطه علمی- فرهنگی است.

۲. جهانی شدن، یک پدیده است ولی امروزه جهان غرب برای بسط مدرنیته از آن استفاده می کند. از این دیدگاه هرچند جهان غرب از پدیده جهانی شدن در جهت توسعه فرهنگ خود سوءاستفاده می کند ولی نمی توان اصل پدیده‌ی جهانی شدن را منکر شد و نسبت به آن طرحی نداشت. در ادامه با مرور آراء اندیشمندان این حوزه، درمی یابیم که دیدگاه دوم به صواب نزدیک تر است. سپس با تفکیک بین جهانی شدن و جهانی سازی، سعی می شود سیاست‌هایی برای تعاملات علمی- فرهنگی کشورمان در عرصه جهانی پیشنهاد شود.

تافلر در کتاب «موج سوم» با تأکید بر اینکه جامعه بشری دو انقلاب کشاورزی و صنعتی را پشت سر گذاشته والان در آستانه موج سوم یعنی انقلاب الکترونیک است، ایجاد مناسبات جهانی به واسطه این انقلاب را در تمام عرصه‌های زندگی یادآور می گردد (تافلر، ۱۳۶۳: ۱۵-۲۷). بنابراین

می‌توان گفت که: جهانی شدن به درهم‌فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان دلالت دارد (لطفی و نادمی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). در همین راستا تاملینسون جهانی شدن را این‌گونه توصیف می‌کند: «جهانی شدن را می‌توانیم در زندگی روزمره و روتین خود در ارتباط خود با فناوری مانند موبایل، کامپیوتر، ایمیل، در ساخت محیط زندگی خود، در مصرف هرروزه غذای خود، روش کسب درآمد در زندگی‌مان و روش‌هایی که برای سرگرمی خود برمی‌گزینیم، به‌وضوح مشاهده کنیم» (تاملینسون، ۱۹۹۹: ۲).

دانشمندان دیگر جهانی شدن، مانند کاستلز و جیمسن، فنون و ابزارهای ارتباطی را تسهیل‌گر فرایند جهانی شدن می‌دانند نه علت آن. کاستلز جهانی شدن را با دگرگونی شبکه‌ی تعاملی انسانی در چهارچوب یکپارچگی اطلاعاتی همراه می‌داند و معتقد است که «در نظام نوین رسانه‌ای، پیام همان رسانه است». (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۹۶) لذا مرز دقیقی بین پیام و رسانه نمی‌توان قائل شد و درهم‌تنیدگی این ابزار ارتباط باهدف ارتباطات (پیام)، کاملاً مشهود است. رابطه اقتصاد و دانش از منظر کاستلز دوطرفه است؛ به‌طوری‌که اقتصاد ناشی از شرایط جهانی شدن را اقتصاد اطلاعاتی ۱ دانسته است. علاوه بر اقتصاد و علم، دولت نیز می‌تواند دو نقش توسعه‌گر و یغماگر را ایفا کند (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۵). بنابراین از نظر کاستلز، جهانی شدن هرچند یک ابزار ارتباطات است ولی ابزاری است که از سیاست و اقتصاد، تا علم و فرهنگ کشورها را ماهیتاً تغییر داده است.

برخی اندیشمندان داخلی نیز موضوعی مشابه درباره پدیده‌ی جهانی شدن داشته‌اند. کچوئیان، جهانی شدن را فرایندی می‌داند که با داعیه جهانی سازی تجدد مدرن شروع شد لکن با عدم توفیق به مباحثی چون تشدید ارتباطات جوامع و افراد، تأثیر و تأثرهای آن‌ها و غیره تقلیل داده شد. «نظریه جهانی شدن از ابزاری کارا در عرصه نزاع گفتمانی و غیر گفتمانی برای غلبه بر تاریخ جهانی، به نظریه‌ای بدل شد که در بهترین حالت بر ظهور و گسترش نبردی روبه تزاید میان تجدد و سایر فرهنگ‌ها یا جوامع دلالت می‌کند» (کچوئیان، ۱۳۸۶: ۱۵ و ۱۶).

دکتر پور احمدی جهانی شدن را امری کاملاً خنثی تلقی کرده و حوزه بحث آن را فراتر از دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی می‌داند. ایشان جهانی شدن را روندی خنثی می‌شمارد و

معتقد است که جهانی شدن همچنان که می تواند مورد استفاده غرب قرار گیرد، می تواند زمینه را برای ظهور بنیادگرایی اسلامی از طیف نرم تا رادیکال آن، فراهم نماید (پورا احمدی، ۱۳۸۶: ۶۳).

بر اساس آنچه بیان شد، باید اذعان داشت که جهانی شدن خالی از واقعیتی بیرونی و اثرگذاری عینی نیست. به طوری که گیدنز می گوید: «احتمالاً این بحث مهم ترین بحثی است که اکنون در علوم اجتماعی و همچنین علوم سیاسی مطرح است، چون دارای تأثیر قوی در جهان نظریه های علوم سیاسی و علوم اجتماعی است» (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۶)؛ اما باید در نظر داشت که جهانی شدن در بستر تاریخی خاصی ظهور کرد که بیشتر مورد بهره برداری تمدن غرب قرار گرفته است. بر همین اساس تأکید می شود که تفکیک جهانی شدن^۱ و جهانی سازی^۲ که در بیان برخی صاحب نظران این حوزه وجود دارد، تفکیکی کاملاً درست و صحیح است. جهانی سازی فرایندی است که از ابتدا بر اساس ایدئولوژی بسط مدرنیته و سیاست های تهاجم فرهنگی و تمدنی تنظیم شده است اما در عین حال، جهانی شدن پدیده ای ارتباطی و اطلاعاتی است که تحولات و تغییر در اقتضات زمانه را به دنبال خود داشته است. «زمان همان طوری که پیشروی و تکامل دارد، فساد و انحراف هم دارد. باید با پیشرفت زمان پیشروی کرد و با فساد و انحراف زمان هم باید مبارزه کرد» (مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۱: ۱۰۴). شناخت اثرات جهانی شدن علم به معنای نفی و طرد این اثرات نیست بلکه زمینه ای برای مطابقت صحیح با مقتضیات زمانه امروزی است.

اکنون با فهم صحیح تر و دقیق تری که از پدیده ی جهانی شدن به دست آمد می توان گفت که با تأثیر جهانی شدن بر فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی و پدیدار شدن حوزه های جدید مطالعاتی (افضلی، ۱۳۸۰: ۲۳)، نقش دانشگاه و علم و رابطه متقابل آن ها با پدیده جهانی شدن بسیار جدی و حیاتی شده است؛ چراکه اگر گفته می شود که نهاد بازار، محرک توسعه آینده است، می توان گفت که این دانشگاه است که (هرچند گاهی به سفارش بازار) آینده را آن چنان که تصور می کند، جهت می دهد (پور عزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۴).

1. Globalization

2. Globalism

۲. مسئله پژوهش

درک و تحلیل یک مسئله، شرط اول حل صحیح یک مسئله عمومی است. (اسمیت و دابلیو لاریمر، ۱۳۹۲: ۱۵) برای آنکه بتوانیم با پدیده جهانی شدن مواجهه هوشمندانه داشته باشیم، ناچاریم به درک واقعی و عمیق آن دست یابیم و برای درک واقعی و عمیق، نیازمند تحلیل نهادی^۱ از علم هستیم تا بتوانیم اثرات را در همان قالب، تجزیه و تحلیل نماییم. مفهوم نهاد نیز دارای دو بُعد مادی (عینی) و معنوی (ذهنی) است (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۸) (اسکات، ۱۳۸۷: ۷۱) و فهم بعد ذهنی نهاد در بستر همان جامعه مدنظر حاصل می‌شود؛ چراکه اساساً مواجهه هر جامعه‌ای با جهانی شدن متفاوت بوده و خواهد بود. پس در واقع این تحقیق با تمرکز بر تحقیقات سیاست‌پژوهانه در حوزه جهانی شدن علم و تحلیل ثانویه آن، درصدد است که مقدمات لازم را برای اولین مرحله فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری که همانا تحلیل و شناسایی مسئله است، فراهم کند.

۹۵

از سوی دیگر، صورت‌بندی یک مسئله به معنای فهم ذهنیت خبرگان و ذینفعان آن مسئله است (تیسن و واکر، ۲۰۱۳: ۱۵۱). به همین دلیل، اسناد داخلی که نشان‌دهنده ذهنیت خبرگان و ذینفعان عرصه علم و فناوری است مورد تحلیل قرار گرفت. نظریه‌های اخیر تحلیل خط‌مشی عمومی تأکید دارند که علاوه بر بازیگران، لازم است بستر نهادی نیز در تدوین خط‌مشی عمومی مورد مطالعه قرار گیرد (هاولت و همکاران، ۲۰۰۳: ۹۳)؛ لذا سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان این‌گونه بیان نمود: چالش‌های نهاد علم در بستر جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جهانی شدن از منظر خبرگان و اندیشه‌ورزان بومی کشورمان کدام است؟

۳. مروری بر ادبیات موضوع

با توجه به موضوع پژوهش حاضر، پیشینه موضوع در فرا ترکیب پژوهش‌های کیفی به‌طور عمده در نظر گرفته شده و مورد مطالعه‌ی تفصیلی و روشمند قرار می‌گیرد. بنابراین بیان تفصیلی پیشینه‌ی پژوهش ضرورتی ندارد اما مروری موضوعی بر پژوهش‌های پیشین می‌تواند جهت تنقیح موضوع و نوآوری این پژوهش یاری رساند.

۱. بیشتر محققان به رابطه جهانی شدن و آموزش عالی توجه نموده‌اند و سعی کرده‌اند اثرات جهانی شدن در نظام آموزش عالی را مورد بحث و بررسی قرار دهند: (خداوردی، ۱۳۹۱)، (فراست‌خواه، ۱۳۸۸)، (فاضلی، ۱۳۸۳)، (کینگ، ۱۳۸۵)، (یزدان‌پور، ۱۳۸۸)، (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۳)، (مارینگ، ۲۰۱۲)، (استروم کوئیست، ۲۰۱۴) و ...

۲. برخی از پژوهش‌ها بر نظام آموزش و برنامه درسی تمرکز داشته‌اند. هرچند اندیشمندان داخلی بیشتر به آموزش مقدماتی توجه داشته‌اند (جعفری هرندی، و همکاران ۱۳۹۴)، (یار محمدیان، ۱۳۸۲)، (آقایی و عالی، ۱۳۸۸)، (میرزا محمدی، ۱۳۹۵)؛ اما در ادبیات جهانی، بعد آموزشی جهانی شدن بسیار جدی‌تر دنبال شده است (کارتر، ۲۰۰۸)، (چارلتون و اندرا، ۲۰۰۶) و ...
 ۳. عده‌ای دیگر بر اثرات جهانی شدن بر نظام پژوهش تمرکز کرده‌اند و در سطوح مختلف آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند: (پاپیون و بار، ۱۳۷۵)، (یانگ، ۲۰۰۶) و ...

ملاحظه می‌شود که اندیشمندان و سیاست‌پژوهان ایرانی به فراخور مسئله خویش، بعدی از ابعاد جهانی شدن نهاد علم را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند و تاکنون فعالیت پژوهشی مستقلی جهت تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهش‌های پیشین و ارائه یک فرا تحلیل از پدیده جهانی شدن علم صورت نگرفته است. در این مقاله سعی می‌شود با فراترکیب یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، زمینه برای مسئله‌شناسی صحیح و جامع در سیاست‌گذاری علم با رویکردی هوشمندانه و تحلیلی فراهم گردد.

۴. چهارچوب مفهومی پژوهش؛ ارکان نهاد علم

علم و دانشگاه دو پدیده ممزوج‌اند که تغییر و تحول در یکی موجب تغییر و دگرگونی دیگری می‌گردد؛ چراکه ظرف و مظروف در رابطه دوطرفه با یکدیگر قرار دارند. با این بیان و با عنایت به سیر تاریخی، می‌توان گفت که برداشت ما از مفهوم دانش^۱ در وهله اول به تلقی ما از نهاد دانشگاه بستگی دارد. در این زمینه هرچند تلقی عمومی آن است که دانشگاه نهادی بسیار قدیمی‌اند، ولی واقعیت آن است که بسیاری از دانشگاه‌های مدرن در قرن ۱۹ و ۲۰ تشکیل شده‌اند (روجر کینگ، ۱۳۸۵):

۷). تفاوت اساسی آنجاست که نهادهای آموزشی دینی (کلیسا)، بیشتر به دنبال انتقال دانش ثابت وحی، به دیگران بودند و حال آنکه در دانشگاه‌های جدید بیشتر بر نوآوری و تولید علم تأکید می‌شد (یزدان پور، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۷).

بر همین اساس، تحلیل نهادی علم، بیشتر بر تحلیل نهاد دانشگاه و کارکردهایی که این نهاد، در جامعه ایفا می‌کند، متمرکز است. البته از منظر جامعه‌شناسی، تمام نهادها از جمله دانشگاه، ذیل نهاد فرهنگ، فرایند نهادی شدن و مشروعیت را طی خواهند کرد (اسکات، ۱۳۹۵: ۳۸-۴۵) و لذا تحلیل رکن فرهنگی هر نهاد، یکی از مؤثرترین ارکان تحلیل آن موضوع خواهد بود. با توجه به مباحثی که پیرامون نهاد علم مطرح است می‌توان گفت ارکان چهارگانه نهاد علم عبارت است از ۱- آموزش ۲- پژوهش ۳- مدیریت ساختار دانشگاه ۴- فرهنگ علمی کشور. در ادامه این پژوهش، اثرات جهانی شدن با توجه به رکن‌های چهارگانه‌ی نهاد علم شناسایی می‌گردند.

۴-۱. رکن آموزش

رکن آموزش هدف اولی و رکن غیرقابل انکار نظام دانشگاهی است. این رکن امروز به دلایلی چون افزایش تقاضا برای آموزش عالی، در دسترس بودن فن‌آوری‌های جدید و همکاران جدید در آموزش مانند دانشجویان بزرگسال بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (میرو نوه ابراهیم، ۱۳۷۹: ۲۷۷-۲۸۲). در دانشگاه مدرن، توجه به رکن پژوهش که در واقع توجه به نیازهای جامعه است، با توجه به رکن آموزش، که در واقع توجه به نیازهای دانشجویان است، در تعارض بوده و خواهد بود ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که اساس دانشگاه جدید آموزش و پژوهش است (کلارکر، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۲).

۴-۲. رکن پژوهش

پژوهش رکنی است که نظام علمی و دانشگاهی ما را به محیط خویش ارتباط می‌دهد. اهمیت این ارتباط در به‌روز نگه‌داشتن کارکنان، توسعه مرزهای جدید دانش، نیاز دانشگاه به شرکت در توسعه ملی و غیره بیشتر به چشم می‌آید و در سطح ملی و جهانی تحت عنوان ارتباط دانشگاه با جامعه یا ارتباط صنعت و دانشگاه به آن توجه می‌گردد (بیکاس، ۱۳۷۹: ۲۷۷-۲۸۲).

۴-۳. رکن مدیریت ساختار دانشگاه

دانشگاه یک نهاد به تثبیت پیوسته است و تعبیر از دانشگاه به مثابه قلعه منحصر، دیرزمانی است که متروک شده است. از سوی دیگر مدیریت ساختار دانشگاه برای دولت‌ها بسیار مهم است و این مهم در عرصه جهانی شدن دچار چالش‌هایی شده است. از جمله مسائل اصلی این رکن می‌توان به مواردی چون حکمرانی به معنای بهترین الگوی تنظیم روابط قانونی، ساماندهی به معنای اصلاح فرایندهای سازمانی، رهبری به معنای تفکر راهبردی جهانی، استقلال واحدهای دانشگاه و غیره اشاره کرد (چیت‌ساز، ۱۳۸۹: ۲۵ و ۲۶) (کلارک، ۱۹۸۷: ۸۴).

۴-۴. رکن فرهنگ علمی

در جامعه ما فرهنگ علمی^۱، نوعی فرهنگ شناخته شده تلقی می‌گردد. فرهنگ علمی یا دانشگاهی دربرگیرنده معنای ارزش‌های مشترکی است که از تاریخ علم و دانشگاه نشأت می‌گیرد و در کنش و ارتباطات انسان‌های دانشگاهی (آکادمیک) نمایان می‌گردد (فراست‌خواه، ۱۳۸۸: ۱۲۴). علاوه بر کانون توجه تحقیق علمی (قوانین عام یا فهم‌های خاص)، ساختار دانش نیز بر فرهنگ علمی مؤثر است (بچر، ۱۹۸۴: ۱۹۱). با این نگاه، می‌توان چهار فرهنگ غالب را که بر اعضای دانشگاه‌ها تأثیر می‌گذارند، از یکدیگر تفکیک نمود: ۱. فرهنگ رشته‌ها؛ ۲. فرهنگ نهادی (دانشگاه یا دانشکده محل خدمت)؛ ۳. فرهنگ نظام‌های ملی؛ ۴. فرهنگ حرفه استادی (کلارک، ۱۹۶۳).

۵. روش پژوهش

۵-۱. روش فرامطالعه؛ الگوی فراترکیب

الگوی فراترکیب یکی از انواع روش‌های فرامطالعه است که نباید آن را با الگوها و روش‌های دیگر مانند مرور پیشینه، تحلیل ثانویه، روایت دوباره و غیره، اشتباه گرفت (ساندوسکی و بارسو، ۲۰۰۶: ۱۹-۲۲)؛ بلکه جوهره این روش، تحلیل مطالعات کیفی است که در نهایت فهمی عمیق و کاربردی‌تر را در یک موضوع فراهم می‌آورد (زیمر، ۲۰۰۶: ۳۱۲). فراترکیب روشی است که برای

1. Scientific culture
2. Disciplinary cultures
3. Institutional cultures

جمع‌بندی کردن مطالعات کیفی که مربوط به یک پدیده یا لاقط نزدیک به آن هستند، مفید است (زیمر، ۲۰۰۶: ۳۱۷). روش فرا ترکیب، با ارائه یک نگاه جامع به موضوع یا پدیده، منجر به یکی شدن افق‌های^۱ مختلف پژوهشی می‌شود.

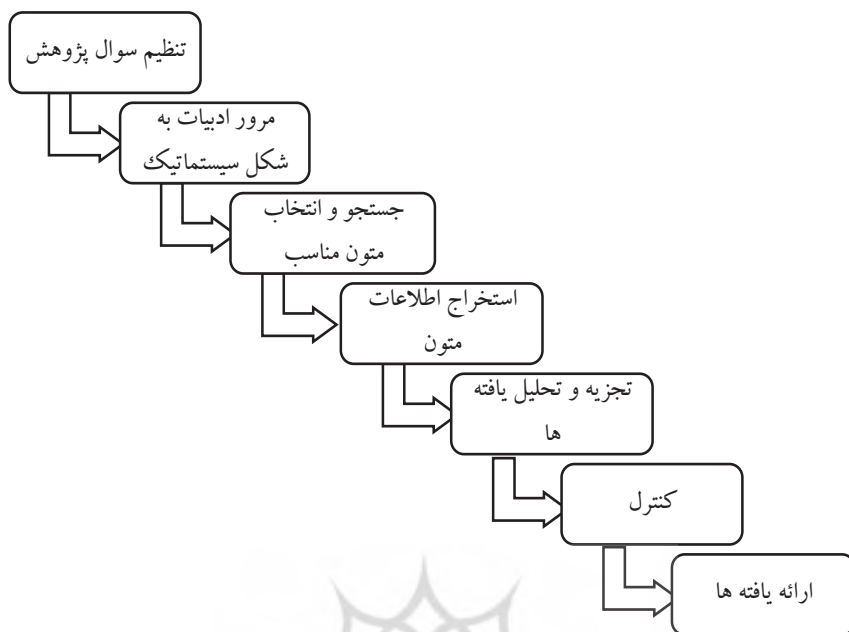
مهم‌ترین ویژگی‌های روش فرا ترکیب عبارت‌اند از: ۱- بازیابی جامع و سامانمند (سیستماتیک) همه پژوهش‌ها و گزارش‌های کیفی مرتبط با موضوع مورد نظر؛ ۲- استفاده از همه روش‌های مفید (کیفی و کمی) برای تحلیل آن‌ها؛ ۳- تفسیر و تحلیل نکات اصلی تحقیقات؛ ۴- استفاده از روش‌های سامانمند (سیستماتیک) و مناسب کیفی برای جمع‌بندی نکات اصلی مطالعات کیفی و ۵- استفاده از فرایند تکرارپذیر برای افزایش روایی روش و خروجی فرا ترکیب. (ساندوسکی و بارسو، ۲۰۰۶: ۲۲). همچنین مهم‌ترین فایده‌های استفاده از این روش عبارت‌اند از: ۱- توسعه نظری یک موضوع؛ ۲- ارائه چکیده‌ای سطح بالا از یک موضوع و ۳- تلاش در جهت آنکه یافته‌های تحقیقات کیفی برای کاربردی عمل، در دسترس‌تر باشند (زیمر، ۲۰۰۶: ۳۱۳).

۹۹

والش و داون^۲ فرا ترکیب را شامل مراحل شش‌گانه‌ی ۱- انتخاب سؤال یا هدف پژوهش مناسب؛ ۲- جمع‌آوری پژوهش‌های مرتبط؛ ۳- تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام شامل فرا ترکیب می‌شوند؛ ۴- ارزیابی و رتبه‌بندی مطالعات؛ ۵- ترجمه متقابل یافته‌های مطالعات و ۶- ترکیب ترجمه‌ها، می‌داند (والش و داون، ۲۰۰۵: ۲۰۰-۲۰۶). نوبلت و هیر سه فاز اصلی انتخاب مطالعات، ترکیب ترجمه‌ها و ارائه آن‌ها را پیشنهاد می‌دهند. در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای بارسو و ساندوسکی استفاده شده است.

1. fusion of horizon

2. Walsh&Downe



شکل ۱- بارسو و ساندوسکی (۲۰۰۷) - مراحل هفتگانه فراترکیب

۲-۵. تحلیل مضمون داده‌های حاصل از فراترکیب

باید توجه داشت که بحث جهانی‌شدن اساساً یک بحث حاکمیتی است و در افقی بالاتر تضاد بین حاکمیت یا ملیت و جهانی‌شدن مطرح می‌گردد (اگینز، ۲۰۰۳: ۲). از طرفی اصولاً تحلیل نظام‌های آموزشی و مهارت‌سازی خارج از چارچوب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که آن‌ها را احاطه کرده است بی‌معناست (مهر علی زاده، ۱۳۸۳: ۲۸۷). در این مقاله باهدف فراترکیب اثرات جهانی‌شدن بر عرصه علمی کشور، مجموعه کتب و مقالات ناظر به شرایط علمی جمهوری اسلامی ایران، در موضوع جهانی‌شدن و یا کتب ترجمه‌شده این عرصه که به‌زعم نگارندگان تأثیر بسزایی در شکل‌گیری ذهنیت نخبگان دارد، مورد بررسی قرار گرفت.^۱ فهرست کتب و مقالاتی که فراترکیب شده‌اند در جدول زیر به نمایش درآمده است.

۱. لازم به ذکر است که با ملاحظه آرشیو شورای عالی انقلاب فرهنگی، خبر یا مصاحبه‌ای مبنی بر اثرات جهانی‌شدن علم یافت نشد و اسناد و مطالب، بیشتر در راستای ارائه راهکارهایی در مواجهه با جهانی‌شدن علم بودند. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

۱. <http://www.sccr.ir/Pages/?current=news&gid=4&Sel=932610>

۲. <http://sccr.ir/Pages/?current=news&gid=4&Sel=1082564>

ردیف	عنوان پژوهش	نویسندگان (سال انتشار)
۱	بررسی تأثیرات فرایند جهانی شدن بر علوم اجتماعی	افضلی (۱۳۸۰)
۲	نظام‌های علمی فتااورانه (تکنولوژیک) نگاه اجمالی به وضعیت جهانی	پاپیون وبار (۱۳۷۵) ترجمه: فاضل لاریجانی
۳	جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزشی ایران	مرعشی و دیگران (۱۳۹۲)
۴	انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن (همسویی، تعامل، تقابل)	پوراحمدی (۱۳۸۶)
۵	الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن	پورعزت و همکاران (۱۳۸۷)
۶	جهانی شدن در منظر انتقادی با نگاه به ایران	شیرودی (۱۳۸۴)
۷	جهانی شدن، بین‌المللی شدن آموزش عالی و برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای	حکیم زاده (۱۳۸۹)
۸	بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت شهروندی	جعفری هرندی (۱۳۸۹)
۹	برنامه درسی و آموزش علوم اجتماعی: آموزش جهانی در تعلیمات اجتماعی ایران	جعفری هرندی و وفایی و نجفی (۱۳۹۴)
۱۰	جهانی شدن آموزش عالی در هزاره سوم؛ مؤلفه‌ها و ابعاد	خداوردی (۱۳۹۱)
۱۱	تأثیر جهانی شدن بر نظام علمی	زائرکعبه (۱۳۸۷)
۱۲	جهانی شدن	شولت (۱۳۸۲) ترجمه: کرباسیان

ردیف	عنوان پژوهش	نویسندگان (سال انتشار)
۱۳	ارائه مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روان شناختی	پردخته و محمدی (۱۳۹۵)
۱۴	بایسته‌های دانشگاه فرهنگ‌ساز در هزاره سوم (مطالعه موردی: جامعه اسلامی در عرصه جهانی)	خنیفر و موسوی (۱۳۹۰)
۱۵	منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی دانشگاه و آموزشگاه عالی	فراست‌خواه (۱۳۸۸)
۱۶	جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران (دوره اسلامی)	قانعی (۱۳۷۹)
۱۷	نگاهی به جهانی شدن و روندهای جهانی در تحولات آموزش عالی و وضعیت آموزش عالی ایران	فاضلی (۱۳۸۳)
۱۸	نظریه‌های جهانی شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین	کچوئیان (۱۳۸۶)
۱۹	دانشگاه در عصر جهانی شدن	کینگ (۱۳۸۵) ترجمه: سیفی
۲۰	جهانی شدن و ایران (ارزیابی جایگاه ایران در فرایند جهانی شدن)	لطفی و داوود (۱۳۸۵)
۲۱	تأثیرات جهانی شدن بر نظام تعلیم و تربیت و خانواده	بار محمدیان (۱۳۸۲)
۲۲	ارزیابی جایگاه ایران در فرایند جهانی شدن	لطفی و نادمی (۱۳۸۵)
۲۳	تولید و توزیع دانش در جوامع دانایی، دانشگاه اجتماعی	یزدان پور (۱۳۸۸)
۲۴	فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی نظام تعلیم و تربیت ایران در بستر جهانی شدن	آقایی و عالی (۱۳۸۸)

ردیف	عنوان پژوهش	نویسندگان (سال انتشار)
۲۵	جهان رهاشده، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی	گیدنز (۱۳۷۹) ترجمه: سعیدی و یوسف حاجی
۲۶	جهانی سازی و نظام های آموزش با تأکید بر کشور ایران	مهر علی زاده (۱۳۸۳)
۲۷	آرشیو اخبار شورای عالی انقلاب فرهنگی	http://www.sccr.ir

جدول ۱- منابع و پژوهش های کیفی فرا ترکیب شده

در این پژوهش فرا ترکیب اثرات جهانی شدن نهاد علم، با روش تحلیل مضمون صورت گرفت. روش منتخب، استفاده از تحلیل مضمون با استفاده از روش قالب مضامین^۱ بوده است. یکی از روش های تحلیلی مناسب در تحلیل مضمون، تحلیل قالب مضامین است. قالب مضامین معمولاً در تحقیقاتی به کار می رود که تعداد متون و داده های آنها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع). این روش فهرستی از مضامین شناخت در ادبیات نظری یا استخراج شده از متن داده ها به صورت درختی و سلسله مراتبی نشان می دهد. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). فرق اساسی روش تحلیل مضمون با روش داده بنیاد آن است که در روش داده بنیاد از ابتدا یک چهارچوب نظری، پذیرفته نشده است ولی در تحلیل مضمون این شرط وجود ندارد (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۹) در روش قالب مضامین، مضامین به دو نوع اصلی و فرعی تقسیم می شوند و در نهایت در قالب الگو و چهارچوب مفهومی پذیرفته شده، به نمایش درخواهند آمد. بر همین اساس فهم نهادی از علم، به عنوان چهارچوب پذیرفته شده این پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه ای از جدول تحلیل مضمون یافته های پژوهش های کیفی، در ادامه به نمایش درآمده است.

شماره فیش	متن فیش برداری	کد فرعی	کد اصلی
	اگر آموزش جهت گیری سیاسی یافت، رشد جامعه نفی می شود؛ بلکه تربیت افراد چاپلوس حامی نخبگان سیاسی و نظامی که به طور سامانمند (سیستماتیک) به چپاول منافع ملی می پردازند، صورت خواهد گرفت (کاسلتز، ۱۳۸۰: ۱۱۹ و ۱۲۰).	عدم محوریت رشد دانشجو و پیشرفت جامعه	
	ترس از این پیامدها، چنان برای مسئولین آموزش جدی است، که به انحناء مختلف در پی مقابله با آن برآمده اند. از جمله اینکه یک موتور جستجوگر قوی ایجاد شده است تا تحقیقات دانشجویی را با منابع اینترنتی مقایسه کند (کینگ، ۱۳۸۵: ۵۲).	عدم محوریت رشد دانشجو و پیشرفت جامعه	
	مهم ترین رویکرد در دانشگاه های آینده این است که دانشجو در این دانشگاه، یک مشتری یا مصرف کننده است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۹).	عدم محوریت رشد دانشجو و پیشرفت جامعه	اثرات آموزشی جهانی شدن نهاد علم
	این واژه، توسط تیمی از محققان استرالیایی که یکی از نخستین پژوهش ها در حوزه رسانه های جدید و پیامدهای آن برای آموزش عالی را انجام می دادند، به کار گرفته شد. آموزش های بدون مرز، محدودیت عناصر زمانی، مکانی، سطحی (کالج و دانشگاه)، تعدادی و هزینه ای را برداشته است (تأثیر جهانی شدن بر نظام علمی) (روجر کینگ، ۱۳۸۵: ۴۰).	ظهور پدیده ی آموزش از راه دور	
	برای اینکه متخصصان بتوانند با وسایل جدید کار کنند، برنامه های بلندمدت آموزشی باید به برنامه های کوتاه مدت آموزشی همچون دوره های کارآموزی و دوره های تخصصی تغییر یابد (زائر کعبه، ۱۳۸۷: ۵۰).	رواج دوره های کوتاه و فشرده ی آموزشی	

شماره فیش	متن فیش برداری	کد فرعی	کد اصلی
	یکی از نمونه‌های خوب این نظام‌های تخصصی، «الگوی مدرن بهداشت و درمان» است. این الگو بر پایه نوعی علم جهانی بنا شده و در حال حاضر در سطح جهانی غالب شده است؛ تا جایی که الگوهای درمانی دیگر (مثل پزشکی گیاهی) را مورد تمسخر قرار می‌دهد (زائر کعبه، تابستان ۱۳۸۷: ۵۰).	جهانی‌سازی معیارهای علم	اثرات پژوهشی جهانی شدن نهاد علم
	به‌طور کلی معیارهای علمی به سمت بازارمحوری رفته و منطق مصرف و کاربرد در استانداردهای علم نفوذ می‌کند (خداوردی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).	جهانی‌سازی معیارهای علم	
	در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت کثرت، مفهومی است با فاصله مساوی از قطعیت و نسبییت و با ملاک و معیار حقیقت و معرفت ملازم دارد. بر اساس این ملاک‌هاست که می‌توان روایت‌های خلاف واقع و حقیقت را از روایت‌های واقع‌نما، نه منطبق با واقعیت، بازشناخت. تا این بازشناسی اتفاق نیفتد، البته تمایزی میان کثرت و نسبییت وجود نخواهد داشت (مهرمحمدی، محمود، ۱۳۹۱: ۳۶).	فراگیری تکثر روشی در تولید علم	
	در یک دهه‌ی اخیر همراه با زیر سؤال رفتن بنیادهای قطعیت‌بخش مدرنیته، شروع گفتمان پست‌مدرنیسم و گرایش واگرایی، فرایند جهانی شدن قدرت بیشتری یافته است. امروزه در عرصه‌های متفاوتی همچون مطالعات منطقه‌ای، تحقیقات اجتماعی تمایل دارند تا به بجای تأکید بر مباحث مقایسه‌ای بر موارد خاص و محلی تأکید کنند (افضلی، ۱۳۸۰: ۲۳ و ۲۴).	فراگیری تکثر روشی در تولید علم	

جدول ۲- نمونه تحلیل مضمون مقالات و کتب مرتبط با جهانی شدن علم

۶. یافته‌های پژوهش؛ اثرات جهانی شدن بر ارکان چهارگانه نهاد علم

چنانکه در قسمت چهارچوب مفهومی پژوهش مطرح شد، نهاد علم شامل چهار رکن اصلی است. این چهار رکن نهاد علم شامل ۱- رکن آموزشی؛ ۲- رکن پژوهشی؛ ۳- رکن مدیریت ساختار

دانشگاه و ۴- رکن فرهنگ علمی می‌شوند که جهانی‌شدن بر هریک از این ارکان اثرات مثبت یا منفی خاصی برجای گذاشته است. در ادامه با برشمردن این اثرات، بر هریک از ارکان نهاد علم، سیاست‌هایی جهت مواجهه هوشمندانه با آن در بستر جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شوند.

۶-۱. اثرات جهانی‌شدن بر رکن آموزش

۶-۱-۱. به حاشیه رفتن رشد دانشجو و پیشرفت واقعی جامعه

مدعای جهانی‌شدن علم آن است که مفهوم سنتی دانشجو تغییر کرده و اکنون دانشجو در فضایی آزاد و بدون ترس از خواندن منابع دسته‌چندم، مشغول یادگیری علم می‌شود؛ درحالی‌که دانشگاه‌های بزرگ جهانی بر موفقیت برمدار دانشجومحوری تأکید می‌کنند جهانی‌شدن اساساً مخالف دانشجو محوری و رشد واقعی آن‌هاست چراکه رو به سوی اهداف اقتصادی و سیاسی دیگر دارد.

آموزش امروز به دنبال تربیت یک فن‌سالار (تکنوکرات) است چون اقتصاد امروز یک اقتصاد فناورانه (تکنولوژیک) و فنی (تکنیکی) است (کاسلتز، ۱۳۸۰: ۱۱۳ و ۱۱۴). از طرفی از آنجا که آموزش، جهت‌گیری سیاسی و اقتصادی صرف پیدا کرده، رشد جامعه نفی می‌شود؛ بلکه نتیجه نظام آموزش، تربیت افراد چاپلوس حامی نخبگان سیاسی و نظامی است که به‌طور سامانمند (سیستماتیک) به چپاول منافع ملی می‌پردازند (کاسلتز، ۱۳۸۰: ۱۱۹ و ۱۲۰). به همین دلیل، اجتناب معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، ظرفیت‌ها برای همکاری با بخش خصوصی ضعیف است (اجتا، ۲۰۱۲: ۳۰). مجموعه این مسائل باعث شده که رشد فکری و شخصیتی دانشجو و به تبع، مصالح جامعه در خلال جهانی‌شدن، تحت الشعاع قرار گیرد. بر این اساس لازم است در امر سیاست‌گذاری نهاد علم در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به استیلای مناسبات اقتصادی و سیاسی جهانی‌سازی بر مصالح واقعی دانشگاه، دانشجو و جامعه، دقت نظر بیشتری داشت. اتخاذ رویکرد بین‌المللی شدن در پاسخ به جهانی‌شدن آموزش عالی می‌تواند پاسخ مناسبی برای چالش‌های جهانی‌شدن در آموزش عالی باشد (حکیم زاده، ۱۳۸۹: ۷ و ۶).

۶-۱-۲. تنظیم برنامه‌های درسی با رویکرد جهانی سازی

در دهه‌های اخیر تلاش شده است تا نظریه جهانی شدن، به عنوان یک نظریه علمی قطعی و غیرقابل خدشه پذیرفته شود و این امر بیش از هر جا در برنامه‌های درسی نمایان شده است. به طور کلی آموزش جهانی خواستار آن است که یادگیرندگان خود را به عنوان شهروند جهانی تلقی کنند (هرندی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). جهانی شدن در صدد است که در سه حوزه الف) دانش و درک و فهم، ب) مهارت‌ها و ج) ارزش‌ها و نگرش‌ها، افراد را به طوری تربیت نماید که بتوانند در مناسبات جهانی نقش خود را ایفا کنند (جعفری هرندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲) همان گونه که برخی اشاره کرده‌اند، نظریات جهانی شدن علم و فرهنگ بر برنامه‌ریزی درسی کشور ایران، هم اثر مثبت و هم اثر منفی داشته است (مرعشی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۸). بنابراین تدوین قوانینی سازگار با چالش‌های جهانی و مطابق با اهداف آموزش در نظام علمی کشور، در مقاطع مختلف امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۶-۱-۳. کالایی شدن آموزش و اطلاعات

اگر در گذشته، تحقیقات بر اساس اطلاعات محدود صورت می‌گرفت و به شکل بسته‌هایی درمی‌آمد که در مقیاس محدودی مبادله می‌شد، امروزه تحقیقات از اطلاعات نامحدود و برخط شبکه‌ای تغذیه می‌کند (خداوردی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). این خدمات که ارمان جهانی شدن بوده است، موجب گسترش نگاه بازاری شده و با گسترش کالایی شدن آموزش^۱ و رقابت جهانی در ارائه سرویس‌های آموزش، این واقعیت شدیدتر نیز شده است (اسپرینگ، ۲۰۱۴: ۱۰۰-۱۰۴). یک منبع وقتی کالایی می‌شود که به فرایندهای انباشت سرمایه‌داری ملحق شود (شولت، ۱۳۸۲: ۱۳۶). یکی از قلمروهای کالایی شدن، کالایی شدن ارتباطات و اطلاعات است؛ چراکه تولید معاصر اطلاعات و ارتباطات موجبات گسترش کالایی شدن را از چهار جنبه مهم فراهم آورده است: سخت‌افزار، نرم‌افزار، تأمین خدمات و محتوا (شولت، ۱۳۸۲: ۱۴۷). البته دسترسی گسترده به اطلاعات، در وهله اول مذموم نیست اما باید توجه داشت اطلاعات، خالی از جهت‌گیری و ارزش نیستند و از این منظر، لازم است در سیاست‌گذاری آموزش عالی کانال‌های ارتباطی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند. ضمن آنکه باید توجه داشت جریان خصوصی سازی در کشور، منجر به تشدید این اثر نگردد.

۶-۱-۴. رواج دوره‌های کوتاه و فشرده‌ی آموزشی

نیازهای نوع به نوع جامعه سرمایه‌داری ایجاب می‌کند که دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی در سازمان، دانشگاه یا مؤسسات غیرانتفاعی رواج یابند. اسکات، سیاست دسترسی همگانی و کوتاه کردن دوره‌های آموزش را نه یک انتظار بلکه یک الزام جهانی قلمداد می‌کند (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۸۰). هدف از این دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی این است که افراد صاحب صلاحیت و متخصص را در جریان آخرین تحولات علمی و فنی قرار دهد (کدیور، ۱۳۸۴: ۵۷). قالب‌های بسیار متنوعی مانند وبلاگ، پادکست، ویکی‌پدیا و پست الکترونیک و غیره باهدف آموزش کوتاه‌مدت بکار می‌رود (یزدان پور، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۶۶). اثرسنجی این پدیده یکی دیگر از لوازمات مواجهه هوشمندانه با جهانی شدن علم خواهد بود. لکن به‌طور کلی می‌توان گفت که رواج دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی موجب ارتقاء مهارت در دانشگاه، صنعت و حتی بخش خدمات شده است و از این منظر مثبت ارزیابی می‌شود.

۶-۱-۵. ظهور پدیده‌ی آموزش از راه دور

آموزش مجازی برآمده از ویژگی ذاتی جهانی‌شدن، یعنی ارتقاء فناوری‌های ارتباطی است. امروزه آموزش از راه دور، که در کشور ما آموزش مجازی خوانده می‌شود، به تدریج تبدیل به یک نوع روش آموزش شده است. امروز صحبت از «دانشگاه بدون دیوار» یا «آموزش و پرورش بدون مرز» است (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۸۲). آموزش‌های بدون مرز، محدودیت عناصر زمانی، مکانی، سطحی (کالج و دانشگاه)، تعداد و هزینه (تأثیر جهانی‌شدن بر نظام علمی) را برداشته است (روجر کینگ، ۱۳۸۵: ۴۰). به‌طور کلی به همان میزانی که به تغییر زیرساخت‌های فناورانه نیاز است به تغییر مفهوم، نقش و کارکرد معلم نیز در این عرصه نیاز است (بش، ۲۰۰۵: ۱۴۵) از این منظر اگر آموزش کشور ما نیز نتواند نقش و کارکرد عوامل فعال در آن، مانند معلم و استاد را بازاندیشی و اصلاح نماید، قطعاً در این فرایند دچار آسیب‌های جدی در سطوح فردی و سازمانی خواهد شد. از طرف دیگر ظرفیت آموزش مجازی و از راه دور می‌تواند در شناساندن ابعاد جهانی انقلاب اسلامی و ارائه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بستری مناسب ارزیابی گردد.

۶-۲. اثرات جهانی شدن بر رکن پژوهش

۶-۲-۱. جهانی سازی معیارهای علم

برای همگان روشن است که امروزه نظام علم مدرن، در سطح جهانی تعریف شده و برای آن شاخص‌ها و معیارهای فنی (تکنیکی) ثابتی وضع شده است. این نظام‌ها در نتیجه انقلاب‌های علمی و رشد دانش فنی (تکنیکی) و تخصصی شدن، ظهور کرده‌اند (زائر کعبه، ۱۳۸۷: ۵۰). ترویج شاخص‌های سنجش بر اساس سطح مدرک تحصیلی و دوره‌های آموزشی، تعداد مقالات ISI برای اساتید و دانشجویان، میزان ارجاعات به مقالات علمی، شرکت در مجله و هم‌اندیشی‌های (سمینارهای) بین‌المللی و عضویت در تشکیل اجتماعات تخصصی علمی در سطح جهانی نمونه‌هایی از این موارد هستند.

برای محاسبه شاخص‌ها از بانک اطلاعاتی SCI^۱ که توسط موسسه ISI^۲ ایجاد شده‌اند، استفاده شده است (پاپون، وبار، ۱۳۷۵: ۳۶). این سیستم کامل طراحی، اجرا و ارزیابی معیارهای تولید علم است که به‌طور کامل در جوامع علمی امروزی پذیرفته شده است. نکته اصلی آن است که با توجه به تلقی خاص تمدن غرب از علم^۳ - آنچه که با روش تجربی و تحصلی به دست آمده باشد - قبول معیارهای جهانی پیش گفته، در نهایت به زیان نظام علمی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین پیشنهاد می‌شود علاوه بر تولید علم در معیارهای جهانی، به تعریف معیارهای بومی و اسلامی علم نیز بپردازیم و پایگاه‌های ارزشیابی علم و پژوهش مبتنی بر آن تشکیل گردد.

۶-۲-۲. فراگیری تکثر روشی در تولید علم

وقتی علوم اجتماعی از حالت ملی و حتی بین‌المللی فراتر رفته و به حالت جهانی شدن روی آورد، به تدریج خرده گفتمان‌ها فرصت می‌یابند که روش‌های علمی خود را ترویج و از هویت علمی خود دفاع کنند. در یک دهه اخیر همراه با زیر سؤال رفتن بنیادهای قطعیت بخش مدرنیته و شروع گفتمان پست مدرنیسم و گرایش واگرایی، فرایند جهانی شدن قدرت بیشتری یافته است (افضلی، ۱۳۸۰: ۲۳) به عبارتی روش اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) به‌مرور جای خود را به تکثر روشی

1. Science Citation Index

2. Institute for Science Information

3. science

در علوم اجتماعی داده است (باقری، ۱۳۹۰: ۵۴ و ۵۵). البته نسبت روشی یا تکثر روش‌ها بنفسه پدیده مذمومی نیست (مهرمحمدی و محمود، ۱۳۹۱: ۳۶) مگر اینکه ابعاد معرفتی افراطی به خود بگیرد که در این صورت برای نظام آموزشی-تربیتی کشور یک خطر جدی خواهد بود. پیشنهاد می‌شود ضمن استقبال از تکثر روشی و نظری در فضای علمی کشور از ترویج تکثر و نسبت معرفت‌شناختی که منجر به پوچ‌گرایی و عدم حقیقت‌جویی در بدنه علمی کشور می‌گردد، به شدت پرهیز شود.

۶-۲-۳. تقویت سکولاریسم علمی و جدایی علم از ارزش

جهانی‌شدن غربی در وهله اول سکولاریسم را رواج می‌دهد اما اگر توفیق نیافت به پلورالیسم ذیل سایه نسبت معرفت‌شناسانه روی می‌آورد. بدیهی است هر دو حالت نامبرده، مخالف جهان‌بینی اسلامی و از این منظر مردود است. بنابراین اولین نقش علم مدرن آن است که با سیطره‌بخشی به این معنای از علم، جدایی دانش از ارزش، علم از ایدئولوژی و یا به عبارت دیگر جدایی دین از همه شئون زندگی دنیایی انسانی را اعلام می‌نماید (پور احمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۷) (حمید پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۵۶) که در واقع ترویج نوعی سکولاریسم علمی^۱ است. به تعبیر دیگر، جهانی‌شدن علم، با سیر تمدنی مشخصی، به جدایی دین از سیاست خواهد انجامید. نقش دوم علم مدرن این است که پلورالیسم معرفتی‌ای ایجاد می‌کند که در آن با توجه به اینکه علم به شدت وابسته به زمینه تولید خود هست (فراست‌خواه، ۱۳۸۸: ۲۴۶) حق و باطلی در کار نیست که با این قرائت از معرفت، پایه همه مباحث حقوقی و اخلاقی فرو خواهد ریخت. پیشنهاد می‌شود با تمهید آموزش‌های لازم برای اساتید و هیئت‌های علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی، نظریات متأخر فلسفه علم و علوم اجتماعی که متضمن درهم تنیدگی علم و ارزش است، و نظریات معرفت‌شناختی فلسفه اسلامی که متضمن فهم علمی رئالیستی است، طرح و اشاعه یابد.

۳-۶. اثرات جهانی شدن بر رکن مدیریت ساختار دانشگاه

۱-۳-۶. تهدید استقلال و آزادی دانشگاه

آزادی دانشگاه^۱ بدین معناست که دانشگاه می‌تواند بر اساس زمینه‌های آکادمیک مشخص سازد که چه کسی می‌تواند آموزش دهد؛ چگونه می‌تواند فکر کند؛ چگونه باید بیندیشد؛ و چه کسی می‌تواند برای تحصیل پذیرفته شود (استندلر، ۲۰۰۰). در شرایط جهانی شدن، علم به مثابه خیر بازار و به دست آوردن رضایت مشتری در نظر گرفته می‌شود و نه خیر عمومی. چنان‌که دانشمندان نیز طبق سفارش‌ها صنعت و تجارت فعالیت می‌کنند، نه طبق موازین و هنجارهای علمی (قانع‌ی راد، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۹). استقلال و آزادی دانشگاه از دو ناحیه مورد تهدید است. نخست از طرف دولت‌هاست که در عصر جهانی شدن، برای جلوگیری از هضم شدن دانشگاه در فرایند فرهنگ جهانی و عدم حمایت از هویت ملی سعی می‌کنند دخالت خود را در دانشگاه‌ها، حداکثری نگاه دارند. دوم از طرف اقتصاددگی^۲ جهانی است که موجب وابستگی هرچه بیشتر دانشگاه‌ها به محیط اقتصادی و نظام سرمایه‌داری گردیده است. مک^۳ در مقاله خود با اشاره به جریان مدیریتی‌سازی^۴ و مبنا قرار گرفتن عقل اقتصادی^۵ در آموزش دانشگاهی این‌گونه بیان می‌دارد: نیروهای قوی بازار، موسسه‌ها و نهادهای علم‌آموزی را مجبور می‌کند که خود را با توجه به حساسیت‌ها و نیازها بازار، بازآفرینی کنند و دانش‌آموخته‌های کاری، با توجه به نیازهای شغلی تربیت کنند (مک، ۲۰۰۰: ۱۵۱) (حسن خداوردی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). در این شرایط شایسته است که سیاست‌گذاری علم در جمهوری اسلامی ایران درباره این مشکل چاره‌اندیشی کند و نسبت به آن تدبیر مشخص و جامعی داشته باشد. ناگفته پیداست که نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان دو نهاد حکومتی مرتبط با آموزش عالی و دانشگاه، در به رسمیت شناختن استقلال و آزادی دانشگاه و در عین حال ممانعت از تهدید استقلال و آزادی آن بسیار حائز اهمیت است.

1. Academic freedom
2. Economization
3. mok
4. managerialism
5. Economic rationalism

۶-۳-۲. رقابت توأم با همکاری نهادهای علمی

امروزه شاهد هستیم که نهادهای علمی مختلف برای کسب منافع و ارزش اجتماعی بیشتر نیازمند رقابت با یکدیگر هستند و هر دانشگاهی که در این عرصه رقابت عقب بماند و شکست بخورد، به مرور زمان از جرگه مسابقه حذف می‌گردد. بر همین اساس معیارهایی تحت عنوان دانشگاه کارآفرین که برآمده از نگاه بنگاهی به دانشگاه است ترویج می‌گردد (فراست‌خواه، ۱۳۸۸: ۳۵۱-۳۵۶). هرچند به گفته‌ی اقتصاددانان رقابت در عرصه اقتصادی می‌تواند موجب افزایش کیفیت و رفاه جامعه گردد، اما آیا در عرصه علمی نیز چنین تأثیری را دارد؟ از سوی دیگر، توافق‌های راهبردی همکاری بین‌المللی بین دانشگاه‌های مختلف و مباحثی مانند پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی، ارائه مدارک بین‌المللی، تبادل بین‌المللی هیئت علمی و دانشجویان به امری عادی در فضای جهانی شدن تبدیل شده است (ایگنز، ۲۰۰۳: ۵). بنابراین این ویژگی جهانی شدن علم فرصتی همراه با تهدید است نه اینکه صرفاً تهدیدی برای نظام آموزش عالی کشور باشد بلکه با توجه به دو اثر فوق، قوت دیپلماسی علمی^۱ هر کشور تعیین‌کننده سود یا زیان آن کشور از جهانی شدن علم خواهد بود. لذا تقویت دیپلماسی علمی کشور یکی از مهم‌ترین نیازهای سیاستی آموزش عالی کشور در مناسبات جهانی شدن است.

۶-۴. اثرات جهانی شدن بر رکن فرهنگ علمی-دانشگاهی

۶-۴-۱. تک‌صدایی در زبان دانش

جهانی شدن علم با جهانی شدن زبان انگلیسی همراه بوده است. امروزه بر همه روشن است که زبان دروازه نفوذ فرهنگی و فکری است که البته از ظریف‌ترین و خطیرترین نوع آن است. رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام به تبعیت از این روند جهانی در نظام آموزشی داخل، اعتراض نموده و می‌فرماید: این اصرار بر ترویج زبان انگلیسی در کشور ما یک کار ناسالم است. بله زبان خارجی را باید بلد بود اما زبان خارجی که فقط انگلیسی نیست، زبان علم که فقط انگلیسی نیست... در شرایطی که آن‌ها اجازه‌ی ترویج زبان فارسی را نمی‌دهند، ما زبان و فرهنگ آن‌ها را ترویج می‌کنیم، آیا

این کار واقعاً عقلانی است^۱؟ در همین راستا جمیز و تولوچ^۲ برای تبیین نقش زبان این گونه بیان می‌دارند که: زبان محور هویت ملی است و حفظ آن و همچنین وحدت آن، این هویت بخشی را افزایش نیز می‌دهد (جمیز و تولوچ، ۲۰۰۰: ۴). امروز برای دانشمندان علوم اجتماعی محرز است که «نفوذ و گسترش زبان انگلیسی از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در جای خود می‌تواند مهم‌ترین تهدید علیه زبان‌های ملی و محلی قلمداد شود (آقایی و عالی، ۱۳۸۸: ۱۹). نکته این است که با توجه به فراگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دانش و از طرفی خطر نفوذ فرهنگی و فکری برای کشور می‌بایست سیاست‌های زبان‌آموزی کشور متناسب با این شرایط وضع گردد. به طوری که اولاً از انحصار آموزش زبان انگلیسی کاسته شود و در هر رشته‌ای زبان کشور ممتاز در همان رشته، در برنامه‌های درسی گنجانده شود و ثانیاً زبان انگلیسی را زبان تولید علم کشور قرار ندهیم بلکه زبان تعاملات علمی دانشمندان و دانشجویان کشور باشد. آثار علمی فاخر به زبان فارسی تولید شوند ولی به زبان‌های زنده دنیا ترجمه و معرفی گردند.

۶-۴-۲. کاهش فرهنگ علم‌آموزی و پژوهش (با توجه به ظرفیت موجود)

«علم را اسلام قدسیت بخشیده، علم یک امر مقدس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیت است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) استاد مطهری در مقولات پنج‌گانه‌ی فطری در ناحیه احساسات، گرایش به علم‌آموزی و حقیقت‌طلبی را یک گرایش فطری می‌داند و البته معتقد است که مثل همه حس‌های دیگر در افراد شدت و ضعف دارد و نیز بستگی دارد به اینکه انسان چقدر آن را تربیت کرده و پرورش داده باشد (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۸) گرایش‌های فطری نیاز به تربیت دارد و اگر تربیت نشوند یا به جهت خلافتش تربیت صورت گیرد به احتمال زیاد شکوفا نخواهند شد. جهانی‌شدن فرهنگ مادی‌گرایی و لذت‌محوری تمدن غرب، مانع رشد فرهنگ علم‌آموزی نسبت به ظرفیت موجود برای تولید علم و دانش شده است و این مسئله در هنگامی که افراد، آموزش کافی برای استفاده از ارزش‌های عقلانی را ندیده باشند و نحوه کنترل ابزار، عواطف و احساسات خویش را فراموش کرده باشند، شدیدتر خواهد شد (یارمحمدیان، آذر ۱۳۸۲: ۱۵۰). این اثر فرهنگی در کشور ما نیز کم‌وبیش

۱. بیانات در دیدار با فرهنگیان، ۱۳/۲/۱۳۹۵.

ملاحظه می‌شود. دانشجویان و بعضاً هیئت‌های علمی دانشگاه فرهنگ مطالعه و تحقیق دائمی را از دست می‌دهند و صرفاً به نوشتن چند کتاب و مقاله در زندگی علمی بسنده می‌کنند. این اثر سوء، با بازگشت به هویت علمی خویش در تمدن اسلامی و زنده نمودن روح طلب علم در میان مسلمانان، تا حد زیادی خنثی خواهد شد. راهبردی که نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اساسی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان فرهنگ علمی کشور است.

۶-۴-۳. فرهنگ یکسان‌انگاری و نفی تمایزات

یکی از پایه‌های ارزشی جامعه مدرن و لیبرال، پلورالیسم^۱ است (واعظی، ۱۳۷۷: ۵۶-۶۰) که جهانی‌سازی به دنبال گفتمان‌سازی آن در سطح جهانی است. اساساً جهانی‌شدن، پدیده پلورالیسم را تقویت و تداوم بخشیده است. ماحصل نگاه پلورالیستی در نظام علمی، یکسان‌انگاری و نفی تمایزات مرد و زن در نوع و کیفیت تحصیل علوم دانشگاهی خواهد بود. کاستلز رشد نابرابری و فقر در آمریکا را ناشی از چهار فرایند می‌داند که یکی از آن‌ها جذب زنان در بازار کار اقتصاد اطلاعاتی است. این خصیصه موجب شده است که در فرایند آموزش، تناسب بین نوع شغل و جنس زن، نادیده گرفته شود و با شعار فمینیستی تساوی زن و مرد، دست به استثمار مفرط آنان بزنند. اثرات دیگر این یکسان‌انگاری، فردی شدن نیروی کار و پدیده‌ی حذف اجتماعی است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲ و ۹۳). در سیاست علمی کشور، توجه به تفاوت‌های زن و مرد و خط‌مشی‌گذاری برای هدایت آن‌ها به رشته‌های متناسب با ویژگی‌های خاص هر یک، می‌تواند تا حد زیادی از استثمار و از خودبیگانگی زنان و حتی مردان در شغل‌های غیر متجانس جلوگیری نماید. البته این به معنای عدم توجه به تفاوت علائق در جامعه مردان و زنان نیست و برای آن دسته از زنان و مردانی که گرایش‌ها و علائق خاص دارند نیز می‌بایست زمینه تحصیلی لازم فراهم گردد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه جهانی‌شدن یکی از معروف‌ترین نظریاتی است که بعد از مدرنیته و باهدف تداوم و تقویت آن ارائه شده است. جهانی‌شدن، یک واقعیت اجتماعی است ولی صورت‌بندی نظری آن در

جهت بسط و تقویت تمدن غرب بوده است. پدیده جهانی شدن در موضوعات مختلف اجتماعی اثرات مثبت و منفی مختلفی داشته است که البته این اثرات در کشورهای مختلف نیز متفاوت بوده است. جهانی شدن علم و فرهنگ یکی از مقوله‌های بسیار مهم در جهانی شدن است که غالباً از دید تحلیل گران پنهان می ماند و غالباً به تحلیل اثرات جهانی شدن بر اقتصاد یا سیاست بسنده می شود. برای آنکه بتوانیم با پدیده جهانی شدن مواجهه هوشمندانه داشته باشیم، ناچاریم به درک واقعی و عمیق آن دست یابیم و برای درک واقعی و عمیق، نیازمند درک نهادی از علم هستیم تا بتوانیم اثرات را در همان قالب تجزیه و تحلیل کنیم؛ بنابراین در این مقاله برای تحلیل اثرات جهانی شدن بر عرصه علمی کشور مجموعه کتب، مقالات تألیفی و ترجمه‌ای بومی ناظر به شرایط علمی جمهوری اسلامی نسبت به مناسبات جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفت و سپس اثرات جهانی شدن علم با روش تحلیل مضمون فرا ترکیب شدند.

مجموعاً بر اساس تحلیل نهادی علم چهار سنخ اثر مورد شناسایی قرار گرفت که عبارت‌اند از: ۱- اثرات آموزشی جهانی شدن علم؛ ۲- اثرات پژوهشی جهانی شدن علم؛ ۳- اثرات جهانی شدن علم بر مدیریت و ساختار دانشگاهی و ۴- اثرات جهانی شدن علم بر فرهنگ علمی - دانشگاهی. جدول زیر به ارائه سنخ شناسی اثرات جهانی شدن نهاد علم می پردازد.

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	اثرات آموزشی جهانی شدن نهاد علم	به حاشیه رفتن رشد دانشجو و پیشرفت واقعی جامعه
۲		تنظیم برنامه‌های درسی با رویکرد جهانی سازی
۳		کالایی شدن آموزش و اطلاعات
۴		رواج دوره‌های کوتاه و فشرده آموزشی
۵		ظهور پدیده‌ی آموزش از راه دور
۶	اثرات پژوهشی جهانی شدن نهاد علم	جهانی سازی معیارهای علم
۷		فراگیری تکثر روشی در تولید علم
۸		سکولاریسم علمی و جدایی علم از ارزش

مقوله‌ی فرعی	مقوله‌ی اصلی	ردیف
تهدید و استقلال و آزادی دانشگاه	اثرات جهانی شدن بر ساختار و مدیریت دانشگاه	۹
رقابت و همکاری توأمان نهادهای علمی		۱۰
تک‌صدایی در زبان دانش	اثرات جهانی شدن ن بر فرهنگ علمی-دانشگاهی	۱۱
کاهش فرهنگ علمی آموزش و پژوهش نسبت به ظرفیت‌های موجود		۱۲
فرهنگ یکسان‌انگاری و نفی تمایزات		۱۳

جدول ۳- یافته‌های فراترکیب پژوهش‌های کیفی مرتبط با موضوع جهانی شدن علم

هریک از این اثرات، نیازمند اتخاذ خط‌مشی ملی متناسب در نهاد علم در بستر جمهوری اسلامی ایران است. لذا به‌طور اجمال می‌توان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های زیر را برای پویایی هرچه بیشتر نهاد علم در جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جهانی شدن مطرح نمود:

- جلوگیری از استیلاي مناسبات اقتصادی و سیاسی جهانی بر نظام علمی کشور و سلب استقلال و آزادی علمی دانشگاه‌ها؛
- حکمرانی پژوهش‌های ملی در جهت نیازهای بومی نه نیازهای ناشی از جریان جهانی‌سازی سرمایه‌داری؛
- تنظیم برنامه‌های درسی با نگرش انتقادی نسبت به جریان جهانی‌سازی و فهم عمیق نسبت به پدیده‌ی جهانی‌شدن جهت حفظ هویت اسلامی-ایرانی مبتنی بر مبانی روان‌شناختی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی (پردخته و محمدی، ۱۳۹۵)؛
- استفاده حداکثری از ظرفیت ارتباطات جمعی و آموزش از راه دور جهت ترویج الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛
- طراحی معیارها و شاخص‌های بومی و اسلامی علم و پژوهش و ارزیابی تحقیقات پژوهشگران، مبتنی بر آن؛

• تقویت دیپلماسی علم و فناوری در کشور و جبران عقب‌ماندگی در این زمینه بخصوص در علوم انسانی؛

• برنامه‌ریزی فرهنگی جهت ترویج روحیه علمی، فرهنگ جستجوگری و طلب علم مبتنی بر بازگشت به اصالت اسلامی ایرانی خویش بخصوص در دوران طلایی تمدن اسلامی.

منابع

۱. اسکات، پیتر (۱۳۸۷)، جهانی‌شدن آموزش عالی، ترجمه رضا فاضله، تهران، انتشارات سروش.
۲. اسمیت، کوین بی و کریستوفر دابلیو، لاریمر (۱۳۹۲)، درآمدی بر خط‌مشی‌گذاری عمومی، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار.
۳. افضل‌ی، رسول (۱۳۸۰)، بررسی تأثیرات فرایند جهانی‌شدن بر علوم اجتماعی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵، صص ۱۸-۲۷.
۴. اوانز، پیتر (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زند باف و عباس مخیر، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو.
۵. باقری، خسرو (۱۳۹۰)، هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران، نشر سازمان چاپ و انتشارات.
۶. پی، پایون و بار، پرورمی (۱۳۷۵)، نظام‌های علمی تکنولوژیک نگاه اجمالی به وضعیت جهانی. ترجمه فاضل لاریجانی، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۴، صص ۳۲-۴۴.
۷. پارسانیا، حمید (۱۳۹۲)، علم و فلسفه، چاپ ششم، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. پردخته، فرهاد و محمدی، فاطمه (۱۳۹۵)، ارائه مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی‌شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روان‌شناختی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۲/۲، صص ۱۹۲-۲۰۴.
۹. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶) انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی‌شدن (همسویی، تعامل، تقابل)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و موسسه چاپ و نشر عروج.
۱۰. پور عزت، علی اصغر و خواستار، حمزه و طاهری عطّار، غزاله و فراخی محمدمهدی (۱۳۸۷)، الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی‌شدن، مطالعات معرفتی در دانشگاه

اسلامی، شماره ۴۰، صص ۳-۲۲.

۱۱. تافلر، آلون (۱۳۶۳)، *موج سوم*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، چاپ دوم، تهران، نشر نو.
۱۲. تیسن، ویل ای اچ و واکر، وارن ای (۱۳۹۵)، *تحلیل خطمشی های عمومی*، پیشرفت های جدید، ترجمه حسن دانایی فر و هانیه احمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات صفار.
۱۳. جعفری هرنندی، رضا (۱۳۸۹) بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت شهروندی، *مجله مهندسی فرهنگی*، شماره ۴۹-۵۰، صص ۲۲-۳۷.
۱۴. جعفری هرنندی، رضا و وفایی، رضا و نجفی، حسن (۱۳۹۴)، برنامه درسی و آموزش علوم اجتماعی: آموزش جهانی در تعلیمات اجتماعی ایران، *رشد آموزش علوم اجتماعی* شماره ۶۶، صص ۱۴-۱۹.
۱۵. چیت ساز، علی (۱۳۸۹)، *مدیریت دولتی نوین در دانشگاه ها*، اصفهان، انتشارات کنکاش.
۱۶. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۸۴)، *بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام*.
۱۷. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۵)، *بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان*.
۱۸. حکیم زاده، رضوان (۱۳۸۹)، *جهانی شدن بین المللی شدن آموزش عالی و برنامه های درسی میان رشته ای*، *فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی*، شماره ۸، صص ۱-۱۸.
۱۹. خداوردی، حسن (۱۳۹۱)، *جهانی شدن آموزش عالی در هزاره سوم مؤلفه ها و ابعاد*، *مجله پژوهش های روابط بین الملل*، شماره ۵، صص ۱۳۳-۱۶۴.
۲۰. دلیو، اسکات ریچارد (۱۳۹۵)، *نهاد و سازمان ها*، ترجمه مینا ده بیگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. زائر کعبه، رحیم (۱۳۸۷) *تأثیر جهانی شدن بر نظام علمی*، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۳۹، صص ۴۶-۵۶.
۲۲. سی سانپال، بیکاس (۱۳۷۹)، *نوآوری در مدیریت دانشگاه*، ترجمه ویدا میر و عبدالرحیم نوه ابراهیم، تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
۲۳. شولت، یان آرت (۱۳۸۲)، *جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. طباطبایی، (علامه) سید محمد حسین (۱۳۹۱)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و پاورقی: شهید مطهری، جلد ۲، چاپ ۲۱، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. عابدی جعفری، حسن و تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین*، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، شماره ۲ و ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۲۶. فراست خواه، مقصود (۱۳۸۸)، منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی دانشگاه و آموزشگاه عالی، تهران، نشر نی.
۲۷. قانع، محمدامین (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی رشد وافول علم در ایران (دوره اسلامی)، تهران، نشر مدینه.
۲۸. قلی پور، آرین (۱۳۸۴)، نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۹. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو، جلد نو.
۳۰. کر، کلارک (۱۳۸۹)، کاربردهای دانشگاه، ترجمه سیدمصطفی حدادی و علی گل محمدی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۱. کچوئیان، حسین (۱۳۸۶)، نظریه‌های جهانی شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین، تهران، نشر نی.
۳۲. کینگ، روجر (۱۳۸۵)، دانشگاه در عصر جهانی شدن، ترجمه محمود سیفی، تهران، مرکز مطالعات جهانی شدن.
۳۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جهان رهاشده. گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی. ترجمه علی اصغر سعیدی و عبدالوهاب یوسف حاجی، تهران، نشر علم و ادب.
۳۴. لطفی، تقی و نادمی داوود (۱۳۸۵)، جهانی شدن و ایران (ارزیابی جایگاه ایران در فرایند جهانی شدن)، علوم اجتماعی، شماره ۷، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۳۵. مرعشی، سیدمنصور و مهرعلیزاده، یدالله و طوسی، طلعت (۱۳۹۲)، جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف برنامه درسی نظام آموزشی ایران، علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۹۷، صص ۵۱-۷۴.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱۹، چاپ سوم، تهران و قم، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، فطرت، چاپ بیستم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۸. مهرعلی زاده، یدالله (۱۳۸۳)، جهانی سازی و نظام‌های آموزش با تأکید بر کشور ایران، تهران، انتشارات رسش.
۳۹. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱)، کثرت روش‌شناسی پژوهش افول پوزیتیویسم یا مرگ حقیقت؟، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۳، صص ۲۷-۴۶.
۴۰. واعظی، احمد (۱۳۷۷)، جامعه دینی و جامعه مدنی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۱. هاوالت، مایلیک رامش و ام‌پرل، آنتونی (۲۰۰۳)، مطالعه خط‌مشی عمومی؛ چرخه‌های خط‌مشی و زیر نظام‌های خط‌مشی، ترجمه عباس منوریان، ابراهیم گلشن، تهران، نشر کتاب مهربان.

۴۲. یار محمدیان، محمدحسین (۱۳۸۲)، تأثیرات جهانی شدن بر نظام تعلیم و تربیت و خانواده، مجله پیوند، شماره ۲۹۰، صص ۲۸-۳۵.
۴۳. یزدان پور، اسماعیل (۱۳۸۸)، تولید و توزیع دانش در جوامع دانایی، دانشگاه اجتماعی، تهران، ناشر دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی.

1. Becher T (1984). **The Cultural View**. In : Clark P R (ed).
2. Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006): **Using thematic analysis in psychology**. In **Qualitative research in psychology** 3 (2), pp. 77-101.
3. Carter, L. (2008). **Globalization and science education: The implications of science in the new economy**. Journal of Research in Science Teaching, 45(5), 617-633.
4. Clark B R (1963). **faculty Organization and authority**. In:
5. Clark B R(ed) (1987) .**The Academic Life: Small Worlds, Different Worlds**,**The Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching**,Princeton, New Jerse
6. Eggins, Heather (2003): **Globalization and reform in higher education: McGraw-Hill Education** (UK).
7. Gebisa Ejeta (2012). **Distinguished Professor of Agronomy, Purdue University, and U.S. Science Envoy, Committee on Global Science Policy and Science Diplomacy; National Research Council**, THE NATIONAL ACADEMIES PRESS.
8. Hall, K. D. (2005). Science, **globalization, and educational governance: The political rationalities of the new managerialism**. Indiana Journal of Global Legal Studies, 12(1), 153-182.
9. James, Paul; Tulloch, John (2010): **Globalization and culture, Vol. 1: Globalizing communications**: London: Sage Publication.
10. Maringe, F., & Foskett, N. (Eds.). (2012). **Globalization and internationalization in higher education: Theoretical, strategic and management perspectives**. A&C Black.
11. Sandelowski, M. & Barroso, J. (2006). **Handbook for synthesizing qualitative research**. Springer Publishing Company.
12. Spring, Joel (2014): **Globalization of education: An introduction: Routledge**.

13. Standler, R. B. (2000). **Academic Freedom in the USA**. Retrieved on April, 7, 2003.
14. Stromquist, N. P., & Monkman, K. (Eds.). (2014). **Globalization and education: Integration and contestation across cultures**. R&L Education.
15. Tomlinson, John (1999): **Globalization and culture: University of Chicago**. Press.
16. Walsh, D., & Downe, S. (2005). **Meta synthesis method for qualitative research: a literature review**. *Journal of advanced nursing*, 50(2), 204-211.
17. Young, O. R., Berkhout, F., Gallopin, G. C., Janssen, M. A., Ostrom, E., & Van der Leeuw, S. (2006). **The globalization of socio-ecological systems: an agenda for scientific research**. *Global Environmental Change*, 16(3), 304-316.
18. Zimmer, L. (2006). **Qualitative meta synthesis: a question of dialoguing with texts**. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی